



محمد صابری

نویسنده و منتقد

درس گفتارهای پروست که در لایه‌های زیرین و نهفته روایت واگویه می‌شود، درس گفتارهایی‌ست که گاه هر یک خود فلسفه‌ای نوپاست. گاه یک ترایی کاملاً نوی علم روانشناسی را به‌همراه دارد، گاه به انسان‌شناسی از منظر جامعه‌شناسی نقبی می‌زند و گاه به زیبایی شناسی روح می‌پردازد، کندو کاو هنر بی‌بدیل نقاشی، موزه‌شناسی، دین شناسی در عهد عتیق و جدید، اسطوره‌شناسی برگرفته از قصه‌های هزارویک شب، زن شناسی از منظر فیزیولوژی، لایه‌های پنهان غریزه‌شناختی، نقبی بر تاریخ فرانسه زخمی از جنگ، شعر و شاعری و تأثیرات آن بر روان آدمی و هزار و یک نکته باریک‌تر از موی دیگر در این قلم سحرآمیز نهفته است که تیتروار به برخی از آن‌ها می‌پردازیم. اینجا تنها و تنها از این موزه باستان‌شناسی تاریخی بازدید شاید کمتر از یک ساعت‌ای داریم و تنها به اشکال و مجسمه‌ها و زیبایی‌های اسطوره‌ای ذهن پروست نگاهی گذرا خواهیم داشت. پروست نیز به سبک وسیاق همه اندیشمندان در جای‌جای این رویداد فوق بشری، پرسش‌های بی‌پاسخی را طرح می‌کند که به خوبی می‌داند تاریخ بستر مناسبی برای این همه پرسش و پاسخ‌ها نیست، چراکه به زعم او اگر تنها یکی از بی‌شمار پرسش‌های انسانی، پاسخ در خوری می‌یافتند، شاید شکل دنیا عوض می‌شد. در جست‌وجوی «زمان از دسته رفته»

در دل یک روایت عاشقانه اتوبیوگرافی گونه از منظر اول شخص نگاشته شده گاه اندرزگویانه و مشقانه و صمیمانه نقدی می‌کند و گاه خود از آن پند می‌گیرد، دل می‌شکند و دل شکسته به کنج اتاقش می‌خزد تا دردهایش را در تنهایی التیام بخشد، آدم‌ها را و رای آنچه که به زبان می‌آورند می‌بینند و دربین حقیقت محورش را بر روی همه، یکسان می‌یابند، خیلی برایش فرقی نمی‌کند که در این سوی دوربین چه کسانی او را قضاوت می‌کنند، باورش تن دادن به آن حقیقت مسلم و غیر قابل انکاری ست که در یازود انسان در پیشگاه ابديت با آن رو در رو می‌شود. در جستارها و خطابه‌هایش چنان کشف و شهودهایی را با خوانندگانش در میان می‌گذارد که آدمی از این همه نکته سنجی در شگفت می‌ماند که به‌راستی چگونه می‌توان این همه را در کوتاه زمانی به‌دست آورد. در دایره‌المعارف پروست معنای جدیدی از واژه‌ها را درمی‌یابیم که تا قبل از آن جایی ندیده و نشنیده بودیم. پروست با وجود آنکه خود از طبقه اشراف‌زادگان و به اصطلاح فرانسه آن از خانواده بورژواهاست اما با یقینی ژرف و ایمانی متعالی بر آنان می‌تازد و مشتیی بی‌سواد واقعی می‌نامدشان. این گفته او برای آن دسته از منتقدان که او را اسنوب بی‌درد می‌دانند که برای خود نشان دادن قلم به دست گرفته نشان محکمی‌ست تا در یابند که ادبیات جان پناه دردمندان و آرزومندانی‌ست که برای نجات بشر یا هزارویک درد جنگیده‌اند و قلم را بر زمین نگذاشته‌اند. در میان انبوهی از مفاهیم بر جسته و متعالی زندگی، آن چیز که بیشتر در قلم پروست نشان دار است و باب میل، عشق است؛ رمز و رازی که قرن‌های بی‌شماری‌ست، آدم‌ها را به تکاپوی آن داشته، پیروچان، زن‌مورد، اهل دل و سیاست و همه و همه در زندگی‌شان زخمی کوچک و بزرگ از آن برد دارند. زخمی شیرین و دل‌فریب و دل‌پسند و دل‌نشین. پروست به عشق آن گونه می‌نگرد که خدایی به مخلوق ناتوان خویش، گاه انسانی و گاه خدایی، نیم‌آسمانی و نیم‌زمینی، زندگی را همچون آیینهای رنگار گرفته در دست می‌گیرد تا با زردون غبارهای رسمی و دردآلودش، تصویری در آن ببیند که دیگران ندیده‌اند، معشوق و یا دلدار برایش حکم همدلی دارد که تا رسیدن به آن جایگاه رفیع انسانی، نیازمند چه همدمی‌ها و دوستی‌های بی‌باکانه و همدلانه است. عشق را نه تنها انگیزه آفرینش انسان می‌داند که خود محرک و مشوقی قوی‌ست برای رودررویی با آنچه که انسان در برابرش تاب نمی‌آورد. حال در این رهگذر اگر خود عشق زخم می‌زند و جان می‌آزارد، نه به‌واسطه ماهیت درونی‌اش است که دلیل اصلی آن کم خود بینی و گاه زیاده‌خودبینی انسان در آییننه زمان است، زمانی که در کوتاه‌ترین شکل رسمی خود، راه نوجوانی تا پیری را چنان با سرعت نور درمی‌نورد که هیچ گریز پایی را یاری رسیدن به او نیست. از راز مگوی عشق این گونه پرده برمی‌دارد: «آن زن جز طرح پیکره‌ای نبود، همه آنچه بر او افزوده شده بود کار من بود و بس، در عشق آنچه از خود مایه می‌گذاریم بر آنچه از دلدار می‌آید می‌چرید.»

عشق را با رنجی همیشگی همراه می‌داند که شادمانی آن را گاه خنثی می‌کند و گاه بالقوه می‌سازد، اما می‌تواند هر لحظه و با هر تکان روحی و حتی تغییر مرز جغرافیایی به شکلی درآید که از دیرباز به خود گرفته است. پروست اصل برآورده شدن را مقدم بر هر چیزی می‌داند، همان گونه که در تمناهای انسانی این یک اصل پذیرفته شده است در عشق نیز اگر به‌دنبال به سروسامان در آمدنش هستیم، باید که به‌الزمانش نرد درهیم؛ چراکه در غیر این صورت همه شناسه‌ها و نشانه‌ها توان آدمی را می‌فرسایند و قوای تخیل و حتی عقل را به پرنگاه هولناک تحلیل و زوال تدریجی می‌برند و در پایان این گونه نتیجه می‌گیرد که یا باید رنج نکشدن را انتخاب کرد و یا دوست داشتن را.

گرانی کتاب و جیب خالی مخاطبان

بررسی آمارهای افزایش قیمت کتاب در سال جاری



آرمان ملی – هادی حسینی‌نژاد: کتاب خواندن، دل و دماغ می‌خواهد. این جمله تکراری، در شرایط کنونی که مشکلات اقتصادی دامن جامعه را گرفته، بیش از پیش کارکرد پیدا کرده است. البته با در نظر گرفتن فشارهای معیشتی که سید خانوارها را از اقلام فرهنگی، خالی تر می‌کند، باید یاد این جمله را هم اضافه کرد که: **کتاب خواندن، جیب پر پول می‌خواهد!** گرانی اقلام مصرفی و مایحتاج روزانه، از یکسو و افزایش سرسام آور قیمت کتاب از سوی دیگر باعث شده این روزها بازار کتاب، به بازاری راکد و سرد تبدیل شود و زمستانی ترین زمستان‌ها را در گرم ترین ماه‌های سال به خود بیند.

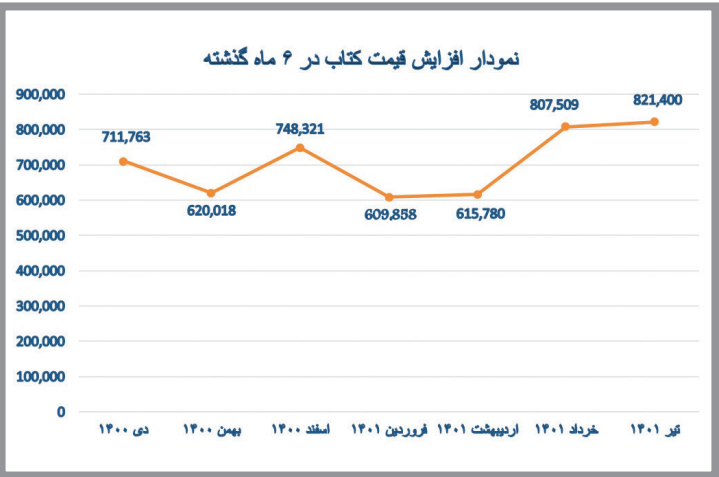
مطابق با آمارهای رسمی موسسه خانه کتاب، میانگین بهای پشت جلد کتاب‌ها در تیرماه، به ۸۲ هزار تومان رسیده است. با کنار گذاشتن آمار ماه‌های قبل، درمی‌یابیم که تورم به خودی خود، حکایت روشنی دارد از تأثیر و حبابی در کار نیست. نمودار افزایش قیمت کتاب در ماه‌های اخیر، حاکی از روند گرانی کتاب در بازه زمانی چند ماهه است. قیمت میانگین، خصوصاً در سالجاری (از فروردین ۱۴۰۱) با شیبی فزاینده پیش‌رفته و در تیرماه، به ۸۲۱ هزار و ۴۰۰ ریال رسیده که نسبت به تیرماه ۱۴۰۰، رشد ۴۳ درصدی داشته است. همچنین آمارها حکایت از آن دارند که قیمت متوسط هر صفحه کتاب در ماه‌های اخیر، به مرز ۴۳۰ تومان نزدیک شده است. البته این رقم، در گروه‌های دیونی مختلف، بین ۳۰۰ تا ۶۵۰ تومان متغیر است اما اگر همان قیمت متوسط هر صفحه را در نظر بگیریم، مخاطبان باید برای تهیه یک کتاب مثلاً ۳۰۰ صفحه‌ای، چیزی حدود ۱۳۰ هزار تومان هزینه کنند. این افزایش قیمت، در سایه گران شدن مواد مصرفی تولید کتاب که کاغذ در اس آن‌هاست، رقم خورده. پایگاه اینترنتی مرکز اطلاع‌رسانی کاغذ ایران در آخرین به‌روز رسانی خود (۷ شهریور) قیمت هر بند کاغذ تحریر ۷۰ گرمی در ابعاد ۱۰۰ در ۷۰ را یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان اعلام کرده و این یعنی، هزینه کاغذ مصرفی برای انتشار یک کتاب ۳۰۰ صفحه‌ای در شمارگان متداول هزار نسخه که حدوداً به ۲۳ بند کاغذ نیاز دارد، از ۲۷ میلیون تومان فراتر می‌رود.

شمارگان، قیمت و قدرت خرید

در معادلات قیمت‌گذاری کتاب، قیمت پشت جلد و شمارگان کتاب همواره نسبتی مستقیم با یکدیگر داشته‌اند. پایین آمدن شمارگان، روی قیمت پشت جلد تأثیر دارد. بنابراین علاوه بر افزایش قیمت مواد مصرفی و خدمات تولید، باید در معادله افزایش قیمت کتاب، سهم قابل توجهی از نیز به افت شمارگان اختصاص دهیم. در جدول آماري تیرماه ۱۴۰۱،

شمارگان متوسط کتاب در کشور ۱۰۰۶ نسخه اعلام شده است. این رقم در گروه‌های دیونی ۵۸۴ نسخه (علوم طبیعی و ریاضیات) تا ۲۰۰۹ نسخه (کمک درسی) متغیر است. در این میان، شمارگان متوسط ۶۸۵ نسخه‌ای در گروه ادبیات و ۲۴۷ نسخه در گروه علوم اجتماعی آمارهای نگران‌کننده‌ای به نظر می‌رسد. به‌طور کلی اگر بخواهیم کتاب‌های

کمک درسی و کودک و نوجوان را از آمارهای اعلام شده از سوی خانه کتاب حذف کنیم، میانگین شمارگان کتاب‌های عمومی در این ماه، بالغ بر ۷۷۸ نسخه محاسبه می‌شود که به خودی خود، حکایت روشنی دارد از تأثیر گرانی‌ها، قدرت خرید مردم، میل به مطالعه و توان تولیدی ناشران. شمارگان کتاب‌های عمومی از آن‌رو اهمیت دارد که این دسته کتاب‌ها، بیشترین تأثیر را بر فرهنگ عمومی



جامعه می‌گذارند و طیف‌های مختلف جامعه بزرگسال، مخاطب آن‌ها هستند؛ بنابراین کاهش شمارگان متوسط کتاب‌های عمومی، علی‌القاعده باید زنگ خطری باشد زیر گوش مدیران، مسئولان، مردم و البته فعالان صنعت نشر.

نسبت تورم با حمایت‌های دولتی

فرهنگ، دست کم در کشور ما یک حوزه خاص تلقی شده که همواره نیازمند

حمایت‌های دولتی است. دولت‌های مختلف در دهه‌های گذشته، زیر عناوین حمایتی مختلف، از این صنعت و فعالانش حمایت کرده‌اند. در این میان، دوستداران کتاب در جامعه نیز از درصدهای تخفیفی در نمایشگاه‌ها یا طرح‌های فروش کتاب، برخوردار بوده‌اند. اما سوال

این است که آیا میزان حمایت‌های موجود، نسبتی منطقی با رشد قیمت کتاب در ماه‌های اخیر دارد؟ معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، متولی اصلی بازار کتاب در کشور است و در سال‌های گذشته، با تخصیص بودجه به نمایشگاه‌ها و طرح‌های فصلی، درصدد حمایت برآمده است. اخیراً نیز سامانه‌ای تحت عنوان «سامانه خرید از

وضعیت فعلی بهترین کاری که وزارت ارشاد می‌تواند انجام دهد کنترل و تحدید اثر تورم بر تولید کتاب است. باید اثر تورم بر تولید کتاب به‌عنوان کلایی فرهنگی کم شود و مهم‌ترین کار برای رسیدن به این هدف معقول کردن قیمت نهاده‌های تولید است.» وی افزود: «در حال حاضر کتاب بسیار گران تولید می‌شود و این برای تولیدکننده، تولید را بسیار سخت کرده. کار تولید در وضعیت کنونی نقدینگی بسیار بالایی طلب می‌کند.» از سویی دیگر یارانه‌ها نمی‌توانند این قیمت بالا را در جهت تأمین منافع خریدار پوشش دهند.

پیش‌بینی افزایش ۳۰ درصدی قیمت کتاب

حاجی تقی، مدیر انتشارات ارمان طوبی نیز میزان یارانه‌های کتاب را ناچیز خواند و گفت: «تخصیص یارانه خرید کتاب در نمایشگاه کتاب تهران به همان اندازه می‌تواند افزایش قیمت کتاب را پوشش دهد که یارانه‌های معیشتی توانسته است پاسخگوی نیاز مردم باشد. در حقیقت، یارانه‌های کتاب، رقمی نیست که بتواند تورم سرسام‌آور در بازار کتاب را برای مخاطبان جبران کند.» وی افزود: «در نظر داشته باشید که افزایش قیمتی که امروز در بازار کتاب وجود دارد، تازه حاصل افزایش هزینه‌های تولید کتاب در سال ۱۴۰۰ است؛ در صورتی که هزینه‌های تولید کتاب در سال ۱۴۰۱ به مراتب افزایش یافته و قطعاً باید منتظر جهش چشمگیر قیمت کتاب تا پایان شش ماه اول سالجاری باشیم.» این فعال صنعت نشر ادامه داد: «افزایش قیمت کتاب در ماه‌های پیش‌رو را تا مرز ۳۰ درصد تخمین زد و گفت: هزینه تولید کتاب و دستمزد برخی بخش‌های خدماتی مانند صحافی، بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد افزایش داشته است. همچنین افزایش هزینه‌های انبارداری، حمل و نقل، دستمزد پرسنل را نیز باید افزایش نهاده‌هایی چون کاغذ و اقلام جایی اضافه کرد.»

آینده کتاب و کتابخوانی

آن‌طور که مشخص است، قیمت کتاب در ماه‌های آتی همچنان به رشد خود ادامه خواهد داد و هیچ عاملی مانع از تورم در بازار کتاب نخواهد شد. تمهیداتی نظیر توزیع کاغذ با نرخ دولتی هم که در مقطعی از سوی دولت و مشخصاً وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ایجاد ثبات لحاظ شده، کارگر نبوده و برنامه مشخصی برای پایین آوردن هزینه‌های تولید کتاب در کشور وجود ندارد. تنها گزینه روی میز مدیران فرهنگی، حمایت از تولید کاغذ داخلی ارزان قیمت است که این رویکرد، با پیش‌خرید کاغذ از واحدهای تولیدی (خصوصاً کاغذ سازندران) دنبال می‌شود، اما همچنان هیچ تصویر روشنی از حجم، کیفیت و قیمت تولیدات کاغذ در داخل کشور وجود ندارد. از سوی دیگر، تخصیص یارانه‌های فروش نیز در حدی نیست که چندان بتواند توان خرید کتاب را در جامعه ارتقا دهد. با این وجود، برخی همچنان بر طبل ارزانی کتاب می‌کوبند و با مقایسه کردن قیمت یک جلد کتاب و یک پرس غذا، گناه پایین بودن سرانه مطالعه در کشور را به پای مردم می‌نویسند؛ حال آنکه در قیاسی منطقی، باید به افزایش سایر هزینه‌های متداول و کاهش توان معیشتی در جامعه نیز توجه کرد. پایین بودن سرانه مطالعه در کشور در ادوار مختلف به‌عنوان یک آسیب جدی، مطرح بوده و با رشد قیمت کتاب، به احتمال بیشتر فاصله گرفتن جامعه از کتاب قوت می‌بخشد. در شرایطی که گرانی کتاب، حتی دست دانشجویان را هم برای خرید منابع درسی خود بسته است، این انتظار

که مردم با وجود مشکلات معیشتی، همچنان کتاب را در سبد خرید خود حفظ کنند، معقول به نظر نمی‌آید. آنچه مسلم است، پایین آوردن هزینه‌های تولید کتاب ضمن جلوگیری از سودجویی کتابسازان، از اوجب واجبات است. و گرنه نمی‌شود به آینده کتابخوانی در جامعه‌ای که حتی در دوران ثبات نسبی، معضل سرانه مطالعه داشته، امید بست.

تصمیم قبلی نمی‌گیرد؛ همچون شعرش که بی‌هیچ قرار قبلی بر کاغذ جاری می‌شود. آنچه جالب است شکل گرفتن مجموعه‌هایی‌ست که برای خلق شان تصمیمی از پیش نداشته. اما وقتی چند کار که معمولاً در یک دوره کار او درباره نقاشی‌هایش تنها یک جمله می‌گوید: بی‌خبر از نتیجه... احمد رضا احمدی، شاعر و نویسنده متولد ۱۳۰۴ در یبشهرت ۹۱۳۱ در کرمان است. از آثار او در حوزه شعر می‌توان به «دفترهای واپسین»، «دفترهای سالخوردگی»، «هزار آفاقا در چشمان تو هیچ بود» و «روزی برای تو خواهم گفت» و از آثار او در حوزه کودک و نوجوان می‌توان به «دیگر در خانه پسرک هفت صندلی بود»، «دخترک ماهی تنهایی» و «مزرعه گل‌های آفتابگردان» اشاره کرد.



سمیه طوسی

شاعر و منتقد

از بهرنگی تاریخچاردباخ

مروری بر «ماهی سیاه کوچولو» و «جانانان مرغ دریایی»

«ماهی سیاه کوچولو» اثر صمد بهرنگی از اولین داستان‌های منتشر شده برای کودکان که در سال ۱۳۴۷ چاپ شده، در مورد ماهی کوچکی است که برخلاف دیگر ماهی‌ها، از زندگی در جویبار کوچک خسته شده و به‌رغم مخالفت‌ها و تهدیدها، اصرار به ترک جویبار و پیدا کردن پایان آن و زندگی به شکل دیگری را دارد که در نتیجه از جمع، طرد شده و در نهایت پس از رویایی با خطرهایی چون مرغ سقا، به دریا می‌رسد: «ناگهان به خود آمد و دید آب ته ندارد. این‌ور رفت، آن‌ور رفت، به جایی برخورد. آنقدر آب بود که ماهی کوچولو توش گم شده بود!» و در نهایت تمام خطر‌ها را از بین می‌برد و خودش پس از آخرین نبرد، دیگر دیده نمی‌شود. «جانانان مرغ دریایی» اثر ریچارد باخ، با اختلاف ۲ سال بعد از قصه صمد بهرنگی نگاشته و داستان مرغ دریایی جوانی است که برخلاف مرغ‌های دریایی دیگر، اصرار به پرواز با سرعت بالا و در اوج آسمان دارد و از زندگی شبیه مرغان دریایی دیگر بیزار است که او نیز از طرف جمع طرد شده ولی از ج تلاش دست برنداشته و در نهایت، پرواز در اوج آسمان را تجربه می‌کند: «سرانجام پیروز شده بود. سرعت نهایی! یک مرغ دریایی با سرعت سیصد و پنجاه کیلومتر در ساعت! موفقیت عظیمی بود، باشکوه‌ترین لحظه در تاریخ مرغان دریایی!» با فرض اینکه ریچارد باخ هیچ وقت تا قبل از نگارش جانانان مرغ دریایی، داستان ماهی سیاه کوچولو را نخوانده و از آن بی‌خبر بوده‌است، به بررسی کوتاهی در خصوص مشترکات قابل توجه این دو داستان می‌پردازیم. هر دو داستان، قهرمانانی هستند که از طرف جمع، مورد خشم و کینه قرار گرفتند، طرد شدند ولی به‌خاک نیفتادند. هر دو در پایان داستان به هدف‌شان می‌رسند. هر دو تابوشکنی کرده و در برابر باورهای جمع می‌ایستند. هر دو برای چیزی که از نظر بقیه غیرممکن است؛ تلاش می‌کنند با این تفاوت که جانانان، تلاشش تماماً با استفاده از داشته‌ها و به‌هم ریختن طبیعت ذاتی وجود هست. با بررسی وضعیت، معادلات را به‌هم می‌زنند. شکست می‌خورند و در هر شکست، راهی را پیدا می‌کند و دوباره بلند می‌شود. اما ماهی سیاه کوچولو، هوشی کودکانه دارد. رفتار او و عکس‌العمل‌هایش، خستگی‌ناپذیر است. شجاعتش دوست داشتنی‌است. از ابزار استفاده می‌کند. قهرمانان با بدی‌ها و خطرات می‌جنگد و برای رفاه دیگران خود را به خطر می‌اندازد. داستان ماهی سیاه کوچولو تخیلی‌تر هست. با رویاها و ذهن‌های کودکان دمساز تر و داستان جانانان ریچارد باخ، پر از انگیزه‌های کمی بزرگ‌تر. در پایان هر دو داستان، قهرمان آن یک نفر تحت تأثیر قرار داده و با خودش همراه کرده. پیام هر دو داستان، ریشه‌یابندن و رشد کردن است حتی اگر به اندازه تأثیر روی یک نفر باشد. اما تفاوت جالبی که وجود دارد، آنچه سر راه جانانان قرار دارد فقط عقاید و باورهایش است ولی آنچه در سر راه ماهی کوچولو قرار دارد، باورها و خطرات است. جانانان را چیزی در اوج آسمان‌ها تهدید نمی‌کند. اما ماهی سیاه همواره با تهدیدهای بزرگ روبه‌روست. پس به نوعی تصمیم و اقدام ماهی صمد، ظلمت‌تر از جانانان باخ است. جانانان می‌شکند تا به راهی‌های بیشتری دست پیدا کند. اما ماهی سیاه کوچولو، می‌شکند تا به راهی توام با خطرات بزرگ‌تری دست پیدا کند و نتیجه می‌گیرد که راهی توام با خطر به مراتب ارزان‌مندتر است از ثبات وضعیت توام با محدودیت. ماهی سیاه کوچولو می‌تواند یک قهرمان افسانه‌ای باشد و جانانان مرغ دریایی یک قهرمان اسطوره‌ای. هر دو داستان پایانی باز دارند. جانانان در پایان داستان، در حالی که در نور، ناپدید می‌شود تأکید می‌کند که «از من اسطوره نسازید» ولی ماهی سیاه کوچولو، در آغاز داستان می‌خواهد که فراموش نکنند و تا آخرین لحظه در حال از بین بردن بدی‌ها و زندگی بخشیدن به دیگران است و زمانی که مرغ ماهیخوار را از بین می‌برد، دیگر دیده نمی‌شود. بزرگ‌ترین دغدغه هر دو، نوع زندگی است. «جانانان با خود گفت: چرا دشوارترین کار در جهان این است که دیگری را بر آن داریم تا بپذیرد که آزاد است.» و «ماهی سیاه کوچولو فکر کرد مرغ خیلی آسان می‌تواند به سراغ من بیاید اما من تا می‌توانم زندگی کنم نباید به پیشواز مرگ بروم. البته اگر یک وقتی ناچار با مرگ روبه‌رو شدم – که می‌شوم – مهم نیست. مهم این است که زندگی با مرگ من چه‌اثری در زندگی دیگران داشته باشد.» این نوع نگرش شخصیت اول داستان، به نویسنده‌های آنها برمی‌گردد. ریچارد باخ، خلبان نیروی هوایی ارتش آمریکا بود که علاوه بر نگارش سه کتاب در مورد پرواز؛ به ندرت بدون هواپیما دیده می‌شد. او در تمام داستان، لذت پروازهای جانانان را همان‌طور توصیف می‌کند که خود لمس کرده. و دقیقاً در نهایت جانانان را به آزادی و اوج لذت پرواز می‌رساند. اما صمد بهرنگی، آموزگار و معلمی است که در شرایط سخت، به تأثیر ذهن کودکان دانش آموزش مستعد است. صمد یک مبارز است که دست‌از تلاش بر نمی‌دارد و دقیقاً مانند ماهی سیاه کوچولو، طی همین مبارزات، هر چند به یک مرگ نامعلوم می‌رسد اما مرگ و زندگی بسیار تأثیرگذار بر زندگی دیگران را تجربه کرده است.

نقاشی‌های شاعر سرشناس به نمایش گذاشته می‌شود

دومین نمایشگاه آثار نقاشی احمد رضا احمدی برگزار می‌شود. این رویداد با عنوان «لکه‌ای از عمر بر دیوار بود» در روز جمعه (۱۱ شهریور) از ساعت ۶۱ تا ۱۲ در گالری «ا» واقع در تهران، خیابان سنایی، خیابان خدری، پلاک ۱) افتتاح می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند در روزهای دوشنبه تا پنجشنبه (۱۱ تا ۲۲ شهریور) ۱۰۴۱ از ساعت ۲۱ تا ۲۰ از نمایشگاه بازدید کنند. فرزندان او در صفحه شخصی شاعر، آورده است: «احمد رضا احمدی در پی یک افسردگی چندماهه برای فرار از آن نقاشی را آغاز کرد. نقاشی‌های او

دومین نمایشگاه آثار نقاشی احمد رضا احمدی برگزار می‌شود. این رویداد با عنوان «لکه‌ای از عمر بر دیوار بود» در روز جمعه (۱۱ شهریور) از ساعت ۶۱ تا ۱۲ در گالری «ا» واقع در تهران، خیابان سنایی، خیابان خدری، پلاک ۱) افتتاح می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند در روزهای دوشنبه تا پنجشنبه (۱۱ تا ۲۲ شهریور) ۱۰۴۱ از ساعت ۲۱ تا ۲۰ از نمایشگاه بازدید کنند. فرزندان او در صفحه شخصی شاعر، آورده است: «احمد رضا احمدی در پی یک افسردگی چندماهه برای فرار از آن نقاشی را آغاز کرد. نقاشی‌های او